



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۵/۰۳

ملک الشعراء محمد نسیم اسیر

## کودتای هفت ثور

### با تجاوز قشون سرخ شوروی به افغانستان

کودتای منحوس ثور و وابستگی برده وار حلقه به گوشان کریمین «خلقى ها و پرچمی ها»، زمینه را چنان مساعد ساخت تا اتحاد شوروی وقت با بیش از یک صد و بیست هزار عسکر با مدرن ترین سلاح در سرزمین دلیران هجوم بیاورد و خونین ترین نظام آدم کش را حمایت بکند. این تحول منحوس سرآغاز بدبختی هایی بود که با وجود سقوط دولت الحاد، خروج ذلت بار قشون شوروی، بی نظمی تنظیم ها و امارت فرهنگ ستیز طالبان تا امروز ادامه دارد.

شمری دارم خطاب به شوروی وقت که بریشت تکرار حسن تقدیم می کنم:

**ورطه طوفان!!**

روبه! قدم به بیشه شیران گذاشتی  
سرپنجه را به آتش سوزان گذاشتی  
بیجا قدم به سیل خروشان گذاشتی  
نامش دروغ گفته و مهمان گذاشتی  
روی سیه به ساحه دوران گذاشتی  
لنگر چرا به ورطه طوفان گذاشتی  
نی باغ و راغ مانده، نه انسان گذاشتی

پا در حریم خانه "افغان" گذاشتی  
چون طفل ساده لوح ندانسته، بهره  
ای در لهیب حرص و هوا سوخته، چسان  
ناخوانده سر زدی به دیار دلاوران  
در سرزمین صلح و صفا آمدی به جنگ  
ای بی خدا! به کشتی ما نا خدا چرا؟  
ای آفت زمانه به این ترک تازی ات

با یک گروه ملحد و مردود و بی وقار  
مارا فریب دین و دیانت چه می دهی  
زیر شعار خانه و نان و لباس، حیف  
کردی سرود برزگر و کارگر بلند  
نی عالم و فقیه و نه شاعر، نه داکتر  
حرف دروغ مهر و وفا بیش ازین مزین  
بم ریختی و آتش نفرت به سینه ها  
غور و هرات و کابل و زابل بهم زدی  
در سینه ها نهال کدورت نشانده ای  
دیدم که بار بار به میدان کارزار

دادی زمام و نام مسلمان گذاشتی  
دیدم که پای بر سر قرآن گذاشتی  
نی جامه و نه خانه و نی نان گذاشتی  
نی کارگر، نه کار و نه دهقان گذاشتی  
نه شعر و نی سخن نه سخندان گذاشتی  
عهد وفا شکستی و پیمان گذاشتی  
در بلخ و بامیان و بدخشان گذاشتی  
از شهرها گذاشتی و ویران گذاشتی  
در دیده ها شراره طوفان گذاشتی  
قصد فرار کرده و میدان گذاشتی

در قید مسکنت همه مردم «اسیر» شد

ظالم نه این گذاشتی، نی آن گذاشتی



اگست ۱۹۸۷م، بن المان